

بوالهوسی سرمایه‌داری جهانی!

نوشته‌ی امیر حسن فرزانه

جهانی به پیش می‌رود. روزنامه وال استریت ژورنال در شماره مورخ ۱۸ سپتامبر ۱۹۹۷ که هنوز بحران باوج خود نرسیده بود چند مقاله مفصل تحلیلی با عنوان «آزمندی بیول (Money Hungry) و داغ شدن رقابت جهانی برای جلب سرمایه» درج کرده است. گرچه با اعتقاد

قرن «مفتخر ساخته بودند و دیگر کشورها را به پیروی از این نمونه‌ی اعلای منطقه تشویق می‌کردند. در کشور ما نیز کم نبودند از مسؤولان و بعضی کارشناسان و محققان اقتصادی که با نوای این ارکستر جهانی کاپیتالیسم همنوایی می‌کردند و

بحران ممتد و عمیق اقتصادی زندگانی مردم ممالک تایلند و مالزی و اندونزی و فیلیپین و تایوان و یازدهمین کشور صنعتی جهان یعنی کره جنوبی را یکی فلج کرده و در هم ریخته

است. شدت و وسعت بحران باندهای بود که تایوان برای کنترل سفته‌بازی ارزی ناچار شد ظرف یک روز نرخ بهره را تا ۳۰٪ بالا ببرد و در ۱۲۷ اکتبر سال گذشته شاخص صنعتی آمریکا را ۵۵۴ واحد تنزل دهد. این ضربه غیرمنتظره اقتصادی که از لحاظ تاریخ وقوع آغاز بحران اکتبر سال ۱۹۲۹ را بیاورد می‌آورد عده‌ای از متخصصان اقتصادی را باین نتیجه تلخ رساند که کاپیتالیسم دوره سروری و کمالش بسر رسیده و آینده‌اش در معرض خطر است (بنقل از روزنامه لوس آنجلس تایمز) The Future of Copitalism itself is at stake فراموش نمی‌کنیم که ممالک



بنده رقابت را باید بین خانواده کاپیتالیسم جهانی جهت رسوخ بازارها در نظر گرفت ولی بهر حال فرض می‌کنیم که این رقابت در وجهی بین کشورهای سرمایه‌پذیر و در وجهی بین صادرکنندگان سرمایه بوجود آمده است. عجبا! بحران مراحل مقدماتی خود را می‌گذراند اما محققان و نویسندگان مقالات که در کارخود تبخّر دارند هنوز عمق فاجعه را پیش‌بینی نمی‌کردند و با اطمینان خاطر از اوضاع شرق آسیا سخن می‌گفتند. در مقاله نخستین آمده است که گردش کار چنان روبراه بوده که مطابق با آمار بانک بین‌المللی در سال ۱۹۹۶ به ممالک اندونزی و مالزی و تایلند به ترتیب معادل ۱۷/۹ و ۱۶ و ۱۳/۳ میلیارد دلار سرمایه

سرازیر شده است. در اینجا باید توضیح داد که سرمایه بدو صورت وارد می‌شود: یا بصورت سهم و اوراق بهادار Portfolio (این نوع سرمایه‌گذاری ریشه‌اش در سفته‌بازی است که موقتاً باعث ترقی ارزش دارائی‌ها و ثروت می‌گردند که باید بدان سرمایه‌گذاری واهی Bubble نام

نسخه این معجزات را برای پیشرفت جمهوری اسلامی ایران نافع تشخیص می‌دادند. بحران فراگیر آسیای شرقی با هیچیک از مفاهیم بااصطلاح تئوریک اقتصاد سرمایه‌داری قابل توجیه نیست، اما کارشناسان معتقد و مطمئن بودند همه چیز موافق با قواعد خود ساخته اقتصاد

پیشرفته سرمایه‌داری، و مخصوصاً آمریکا و ژاپن که این ممالک را گروگان اقتصادی خود کرده بودند گروگانها را مثل اعلای پیشرفت و رشد و رفاه اجتماعی معرفی می‌کردند و همراه با ارکان بین‌المللی از ملل متحد و صندوق بین‌المللی پول و بانک بین‌المللی این کشورها را به لقب «معجزه

SONY
 همیشه بهترین،
SONY
 همیشه بهترین

وسیعترین، جدیدترین محصولات سونی در گیش بازار گانی ارمس

کیش، بازار بین‌المللی پردیس، غرفه ۴۲. تلفن: ۳۴۳۱ فاکس: ۳۴۳۱

نهاد. درین سرمایه‌گذاری ترقی قیمت‌های سهام هیچ تناسبی با درآمدها و دارایی‌ها ندارد. به بیان همین مقاله یکی از دلایل گسترش یافتن جلب سرمایه‌های خارجی درین منطقه درس گرفتن از موفقیت‌های بدون وقفه سه «بیر» آسیایی یعنی هونگ‌کونگ و تایوان و کره جنوبی بوده که این یکی به عضویت گروه ممالک صنعتی (OECD) نیز درآمده بوده است.

خوش‌بینی تحلیل‌گران اقتصاد بورژوازی جهانی تابدان پایه می‌رسد که تصور می‌کنند که رعایت مفاهیم نابکار جهانی کردن اقتصاد از علل عمده موفقیت معجزه‌آسای بیره‌های آسیایی (بخوانید بیره‌های کاغذی) بوده است. روزنامه از قول آنان می‌نویسد این کشورها ضمن آنکه سیاست درستی در حیطه اقتصاد کلان در پیش گرفته بودند، مؤسسات را خصوصی کرده و صنایع را از قید مقررات آزاد ساخته *Deregulated* و بورس سهام (یعنی همانجا که بسیاری سفته بازیها و تقلبات صورت می‌گیرد) تأسیس نموده و از میزان تعرفه‌ها کاسته و قرطاس‌بازی را *Red Tape* بدور انداخته و مشوقهای مالیاتی را رایج کرده‌اند (و این یعنی نمایش گوشه‌ای از بهشت برین کاپیتالیسم جهانی). از قول رئیس برنامه‌ریزی اندونزی (که رئیس کشورش در تب و تاب بحران شکایت کرد که آنچه که کشورش طی سه دهه با کدیمین و عرق جبین بدست آورده بود یک شبه بیاد رفت) می‌گوید این رویدادی آموختنی است که در سال گذشته ۱۷/۹ میلیارد سرمایه‌های خارجی باین کشور وارد شده است که این مبلغ رکوردی پس از چین و مکزیک محسوب می‌شود. روزنامه بسط مطلب می‌دهد که اندونزی و نیجریه هر دو کشوری مسلمان و صاحب منابع نفت هستند. در دهه شصت (میلادی) سرانه ارزش ناخالص محصول داخلی نیجریه دو برابر سرانه اندونزی بود ولی در سال ۱۹۹۵ سرانه اندونزی به ۹۸۰ دلار و از آن نیجریه به ۲۶۰ دلار بالغ شد. مقاله‌نویس روزنامه امروز شاهد است که علی‌رغم تبلیغات گوش‌آزار سرمایه‌پسندانه او و امثال او شاید در خلال بحران، سرانه اندونزی از سرانه نیجریه هم پایین‌تر افتاده باشد. این تخم خنظل بحران را همان کار بست مفاهیم نابکار اقتصاد جهانی در این ممالک آبیاری کرد و پرورش داد که اینک میوه تلخش را باید مردم جورکشیده این کشورها بچشند و تاوان بدهند. امروز که هفدهم ژانویه

است و مشغول نگاشتن هشتم حدود شش ماه از بحران می‌گذرد و پول اندونزی ۷۰٪ درصد تنزل کرده، اجبار به ریاضت‌کشی اقتصادی بر نارضایتی‌ها افزوده و مردم رنج دیده در خیابانها بتظاهرات پرداخته‌اند. ممالک غربی و خصوصاً امریکا و ژاپن که سرمایه‌های بزرگی باین منطقه صادر کرده‌اند و منافعشان در خطر افتاده و در عین حال نمی‌خواهند «دم لای تله بدهند» بلافاصله با اظهار علاقه و تبلیغات و دلسوزی فراوان پیش قراول دست‌آموز خود یعنی صندوق بین‌المللی پول را مأمور کردند سریعاً به کمک ممالک بحران زده بشتابند و خود نیز قول مساعدتهای مالی دادند. صندوق که درس خود را خوب روان است ضمانت مالی این کشورها را که در گرداب ورشکستگی و تعطیلی و بیکاری و سقوط بی در پی ارزش پول غوطه‌ور شده‌اند موکول به شرایطی کرده است که عملاً استقلال مالی آنها را از میان برمی‌دارد و آنها را بیش از پیش به قید و بند ممالک متروپل در می‌آورد. [برای آشنائی با ماهیت صندوق بین‌المللی پول خوانندگان گرامی را به مقاله‌ای که با عنوان «صندوق بین‌المللی پول و استعمار

نویس» در همین شماره چاپ شده است ارجاع می‌دهیم «ماهنامه»] در چهارم دسامبر ۱۹۷۷ صندوق با شروطی با ضمانت مالی کره جنوبی معادل ۵۷ میلیارد دلار موافقت نمود. کره جنوبی این نگین صنعتی بیره‌های آسیایی متعهد شد که اولاً بازار پول و سهام کوتاه مدت را که میدان را بدست سفته‌بازان می‌دهد مفتوح سازد و ثانیاً به بیگانگان حق الحاق مؤسسات را بیکدیگر بدهد (Merger) و تملک مؤسسات مالی (Take over) کره جنوبی را آزاد گذارد و قانونی نماید و ثالثاً حدود تملک سهام بیگانگان را در سال جاری از ۲۶٪ به ۵۰٪ و در سال بعد به ۵۵٪ ترقی دهد (بنقل از روزنامه ایران نیوز)

موافقت صندوق با ضمانت مالی سایر کشورهای منطقه کما بیش همین قیود را در بر دارد.

پذیرش شرایط خفت‌بار

گفتنی است حالا که ورقها برگشته و نظریه‌ها بوج از آب درآمده و بخت این کشورها بازگونه شده است لحن تبلیغات روزنامه‌ها هم تغییر کرده و علل وقوع بحران را بگردن مدیریت نادرست بیره‌ها و غیربیره‌های آسیای شرقی می‌اندازند و بعضی‌ها ذوقی هم بخرج داده و خودکاپیتالیسم را هم دست می‌اندازند. لوس‌آنجلس تایمز پس از انتخاب رئیس جمهور تازه کره جنوبی مقاله‌ای با عنوان «آیا کاپیتالیسم می‌تواند صندوق بین‌المللی پول را سرپا نگهدارد» نوشت رئیس جمهور جدید علاوه بر آنکه متعهد است مخارج ۳۷۰۰۰ سرباز جنگی آمریکایی را با پولی که نیمی از ارزش خود را از دست داده پرداخت نماید باید اعتبار و آبروی از دست رفته خود را در برابر کره شمالی یعنی کشوری که فقط محتاج به آرد و سبوس بوده است نیز حفظ نماید. نیویورک تایمز یک صفحه تمام رنگی چاپ کرده بود که «کیم





تعمیرگاه زنجیرهای بلدوزر

آرمن آلکساندریان
آرشاویر کشیشیان

تلفن: ۶۶۹۱۰۴۴ - ۶۶۹۷۵۷۰

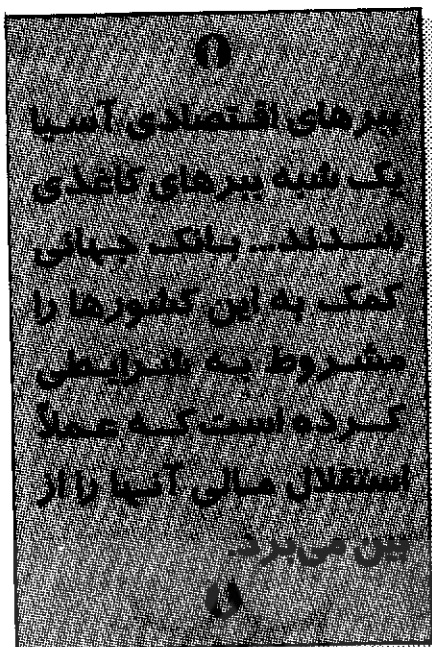
آدرس: تهران - سه‌راه آذری، خیابان زرنند،
روبروی بانک تجارت، شماره ۱۰۳




جونگ دوم Kim Jong II رئیس کشور کره شمالی را نشان می‌داد که در قبال شکست اقتصادی افتضاح‌آمیز کره جنوبی بدین اعلام می‌دارد که در گذر از اوقیانوس قرن بیست و یکم سرانجام او چون سکاندار و ستاره راهنمای سفر سربلند کرده است!! کره جنوبی مجبور شد (تکرار می‌کنیم این همان کره جنوبی است که اقتصاددانان غرب و برخی محققان جمهوری اسلامی آنرا مدل و نمونه استثنائی پیشرفت و رفاه اقتصادی برمی‌شمردند) در قبال دریافت ضمانت مالی شرایط خفت‌باری را بپذیرد. در همان حال کره شمالی به همه کراهیها که در هر کجای دنیا می‌نمایند «اگر شما آنچه را که در کره جنوبی اتفاق افتاد دوست ندارید ما بعنوان میهن‌پرستان واقعی شما را می‌پذیریم و در آغوش می‌گیریم» کره شمالی کمک‌های غذایی دریافت کرد ولی هیچگاه قید و بند تحقیرکننده‌ای را نپذیرفت. روزنامه هشدار می‌دهد که تلاش صندوق برای آنکه اقتصاد ممالک آسیائی را بقلب اقتصاد غربی درآورد سخت مخاطره‌آمیز است. علل بحران را فهرست‌وار از زبان منابع غربی نقل می‌نمایم. دور تسلسل در هدایت نادرست سرمایه و بدهکاریهای عظیم مالی (مخصوصاً در کره جنوبی که به ۲۰۰ میلیارد دلار بالغ می‌شود) اعطای وام‌های سوخت شدنی و زد و بندهای فامیلی در معاملات یا باصطلاح Cronyism (چیژی که در کشور ما هم رایج است و نمونه‌اش عملیات بانکی بانک صادرات است) - سفته‌بازیهای ارزی - به زبان آوردن سخنان تند و متهم کردن سفته‌بازان توسط نخست‌وزیر مالزی که در عرف سرمایه‌داری ناپسند است و باعث تضعیف بازارهای مالی می‌شود - ورود غیرمعارف سرمایه‌های خارجی و سرمایه‌گذاری در ظرفیتی بیش از نیاز بازار - صورت حسابسازی - فقدان کنترل مخفی‌کاریهای دولتی و غیره.

سئوالی که پیش می‌آید اینست که آیا این خلافت‌کاریهای آشکار قبل از وقوع بحران، مثلاً در سال ۱۹۹۶، هنوز شناخته نشده بود که مبالغ هنگفتی سرمایه به کشورهای منطقه سرازیر شد؟ آیا این تخلفات فقط مقارن با وقوع بحران بذهن مستقدان و محققان و متخصصان و مبلغان و گردانندگان وسایل ارتباطات جمعی جهان سرمایه‌داری رسید؟ آیا کنفرانس توسعه و تجارت ملل متحد هم از وقوع خطر تا این اندازه ناآگاه بود

که متوسط رشد ۴/۸٪ ملل در حال توسعه را در دهه ۹۰ مدیون توسعه سریع و پیا برجای کشورهای آسیای شرقی بدانند؟



این سوال فقط یک جواب دارد: سرمایه‌داران و تئوری‌دانها و مراکز تحقیقاتی سرمایه‌داری که در پنج قاره جهان مسائل را زیر ذره‌بین نقد و انتقاد دارند از همه آنچه می‌گذشت مطلع بودند و آن تئوریه‌ها و قواعد نابکار اقتصاد کلان و خرد همراه با مقررات سازمان تجارت جهانی نیز همه دست‌اندرکار بودند ولی مقصد اعلای کاپیتالیسم سود است و البته سود هرچه بیشتر و سریع‌الوصولتر بهتر. بنابراین این اقتصاددانان که بعضیشان بافتخار کسب جایزه نوبل هم نائل شده‌اند و منتقدان و تحلیل‌گران که همگی نان خور کاپیتالیسم جهانی هستند مادام که منظور

تأمین است وظیفه‌ای جز تحلیل و تعظیم جریانات ندارند. این قاعده در تمام ممالک سرمایه‌داری جاری است. مجله فورچون نوشت طی دهه هشتاد بالغ بر یک تریلیون (۱۰^{۱۲}) دلار در آمریکا دست بدست گشت بدون آنکه دیناری ارزش مصرفی بوجود آورد. در همان دوره حدود

چند صد میلیارد دلار اوراق قرضه بی‌پشتوانه (Junk Bond) با نرخ بهره‌ای بیشتر از نرخ جاری منتشر کردند و تمام صاحبان اوراق را متضرر ساختند؛ از جمله مؤسسات پس‌انداز و وام میلیارد دلار متضرر شدند و برای پیش‌گیری از ورشکستگی دولت بوش ضامن مؤسسات گردید و مجله نوشت تاوان این ضرر هنگفت را بمردم آمریکا تحمل کردند. بانک قدیمی و معروف Baring انگلیسی توسط همین باندبازی و سفته‌بازی معادل ۱/۵ میلیارد دلار متضرر و ورشکسته شد - بانک عربی - پاکستانی اعتبار و تجارت Bank of Credit and commerce International بعلت همان بیماری Cronyism و بند و بست با دوستان ورشکسته شد. به صاحبان سپرده خسارات زیادی زد. هم اکنون سالانه حدود ۳۶ تریلیون دلار صرف عملیات بانکی و ۱۸ تریلیون دلار صرف معاملات سفته‌بازی Derivatives می‌گردد که باعث مجله اکونومیست بسیار مخاطره‌آمیز است. یکی از شگردهای سفته‌بازان بالا بردن مصنوعی قیمت سهام است (Over value) مجله آمریکایی فوربس Forbes نوشت بین سالهای ۱۹۹۶ و ۱۹۹۷ درآمد IBM فقط ۶٪ ترقی کرد در حالیکه قیمت سهامش را ۱۴۰٪ بالا بردند و طی همان مدت شرکت تکنولوژی Dell درآمدش ۲۰۰٪ و قیمت سهامش ۴۰۰٪ ترقی نمود!!! مجله اضافه کرد هیچ دلیلی وجود ندارد که سهام شرکت‌های تکنولوژی بتواند به این تورم و ترقی خود ادامه دهد (یکی از دلایل بالا بودن غیرطبیعی شاخص صنعتی آمریکا که بالغ بر ۸۰۰۰ واحد شده است همین بورس بازی در بازار سهام است که پایه‌های استواری ندارد و آن



بھی ترابر

شرکت حمل و نقل بین‌المللی
«با مسئولیت محدود»

نشانی: تهران، خیابان طالقانی، بین ولیعصر و حافظ، شماره ۱۶۵، طبقه ۲، شماره ۷

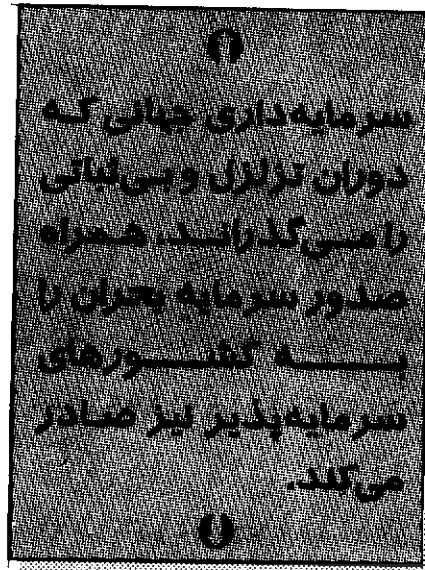
تلفن: ۶۴۰۷۱۳۸ - ۶۴۹۳۴۶۵ فاکس: ۶۴۰۶۶۷۸

سقوط ناگهانی شاخص که از آن یاد کردیم بهمین علت بود) Intel که یکی از همان غول‌های تکنولوژی است در اکتبر سال گذشته اعلام کرد که فعلاً از افتتاح کارخانه ۱/۳ میلیارد دلاریش منصرف شده است. مجله جدولی از ۵۳ مؤسسه پیشرو تکنولوژی تهیه و درج کرده است و توضیح داده که هیچ‌کدام تا از آنها هنوز بطور مستقل مشغول بکارند. عده‌ای در هم ادغام شده‌اند و بقیه بسادگی ورشکسته شده و از میدان بدر رفته‌اند.

نگاهی به جمهوری چک

برای این که دامنه بحران را گسترده‌تر ببینیم و آثار نظم بین‌المللی را بهتر معاینه کنیم مطلبی را درباره Koruna کرونا پول رایج جمهوری چک بعرض برسانیم. وال استریت ژورنال در همان مجموعه مقالات که ذکر آن رفت می‌نویسد: چنین تصور می‌شد که پول چک بایست مدل پولی اروپای مرکزی قرار گیرد. این کشور که سابقاً به بلوک شرق پیوسته بود، تجارت آزاد را برگزید و بوجه استواری شش سال بر سر پا بود. سرمایه‌گذاران آمریکا و آلمان بسیاری از اوراق

قرضه چک را به علت ثبات فراوانش و قابلیت سریع نقد شدنش و درآمد خوبی که نصیب



دارندگان آن می‌کرد نه آنکه خریدند بلکه ربودند، اما در ماه مه سال گذشته کرونا تاوان درستی و

بی‌غل و غشی خود را داد. سفته‌بازان بین‌المللی ارز که متوجه ضعف اقتصادی چک شده بودند به بازار مالی هجوم آوردند و ظرف یک روز ۱۰٪ از ارزش پول چک کاستند و وضع چنان شد که عاقبت کسری حساب جاریش به ۱۰٪ GDP بالغ گردید و کشور دچار رکود شد. در زمانی نه چندان دور اقتصاد جمهوری چک پیشرفته‌ترین اقتصاد منطقه بنظر می‌رسید. خصوصی‌سازی گسترده. سطح پایین تورم. بیکاری کمتر از ده درصد که چک را محسود اروپای شرقی و غربی کرده بود، و سرانجام و مهمتر از همه باز بودن دروازه‌های پراک بروی سرمایه‌های بین‌المللی از جمله اقدامات مهم و وسیعی بود که سرمایه‌گذاران و سیاست‌پیشگان را به تمجید واداشته بود. اما ناکامی بعدی پراک این سنوال اساسی را پیش آورد که آیا هر اقتصاد رو به پیشرفت و رو به رشدی توانایی افسار زدن به «بوالهوسی‌های» بازار بین‌المللی سرمایه را دارد؟ (خوبست بوالهوسی‌ها را بخوانیم سیاست‌های عام کاپیتالیسم جهانی) بازاری

آژانس هوایی مجد سیر



MAGD SEIR CO. LTD AIR TRAVEL AGENCY

- برگزارکننده تورهای داخلی و خارجی
- بلیط تورهای کیش
- اخذ ویزای کشورهای متحد المنافع و دبی
- اخذ ویزا برای خارجیان عازم ایران
- پرواز مستقیم قشم
- صدور بیمه مسافرتی برای کلیه کشورها

- نمایندگی فروش بلیط‌های هواپیمایی ایران‌ایر
- کلیه خطوط بین‌المللی (خارجی و داخلی)
- فروش بلیط ارزان قیمت به تمام نقاط جهان

مستشفى تهران - عمان - مسقط عمان - عمان - سهرارد - معاین اداره
 ۳۳ تهران - معین ۱۶ تهران - معین ۲۲ کدپستی ۱۲۴۳۷
 تلفن: ۹۷۷۱۸۵ ۹۷۷۲۴۲ ۹۸۲۶۴۴
 فاکس: ۱۷۸۹۲۵

inspiration" is how U.S. economist Paul Asian miracle. Krugman describes the

و این مطلبی درست است. سرمایه‌داری که خود دوره متزلزل و بی‌ثباتی را می‌گذراند و با وقوع بحران آسیا بر مشکلات امنیتی و بازرگانی سخت افزوده شده است همراه با صدور سرمایه و مخصوصاً سرمایه‌های کوتاه مدت بحران را نیز صادر می‌کند و کار را بجائی می‌رساند که کشوری صنعتی مانند کره برغم کمک‌های مالی صندوق بین‌المللی پول و دولت‌های ژاپن و آمریکا باز هم با کمبود اعتبار روبروست و از مردمش تقاضای کمک می‌کند. زن و مرد با بزرگواری و با طیب خاطر باین تقاضا لبیک گفتند و طلاهای زینتی خود را تحویل دولت دادند که بحدود ۸ تن بالغ گردید و این یک غننامه و درس عبرتی است که در تاریخ این ملت ثبت خواهد شد اما چه سود که این کشور هم چنان در قید سرمایه‌داری جهانی باقی خواهد ماند و پریشانی مردم ادامه خواهد یافت.

درباب اندونزی هم نکته‌ای قابل یادآوریست:



یک بازرگان - صنعتگر اندونزیایی با نگرانی روزنامه را می‌کاود تا از آخرین اخبار مربوط به سقوط پول کشورش و اوضاع اقتصادی منطقه آگاه شود.

لوس آنجلس تایمز نوشت بنای این معجزه برین پایه بود که اولاً ژاپن (که خود مدت هفت سال در حالتی نزدیک برکود بسر می‌برد و با بروز بحران دو بانک عمده‌اش و چهارمین مؤسسه بزرگ

دلایش طی دو هفته آخر ماه اکتبر سال گذشته ورشکست شدند) برای گریز از اقتصاد پرهزینه‌اش که از ترقی ارزش «ین» ناشی می‌شد سرمایه‌گذاریهای خود درین کشورها بسی افزود و ثانیاً آمریکا هم برای کاستن از هزینه تولید و افزودن بر سود، سرمایه‌ها را روانه این ممالک کرده بود و این هر دو صدور سرمایه‌ها و تکنولوژیها موجب رشد «معجزه‌آسای» این ممالک شده بود. از قول پل کروگمان Paul Krugman اقتصاددان آمریکایی در یک عبارت کوتاه چنین آوردند که آن معجزه نه از خلاقیت و الهام بل از عرق جبین بظهور پیوسته بود.

"Perpiration, not

که در آن کوههای پول سربلک کشیده از کران تا کران کره ارض بسرعت برق جابجا می‌شود. جوابها یکسان نیست و «لا و نعم» بسیار دارد و آوردنش موجب اطناب کلام می‌گردد. اما دلیل عمده بروز این مسأله آنست که اقتصاد علم نیست بل عقیده است و گرفتاری اقتصادی گرفتاری دنیائی است و منحصر به آسیا نیست. در اینجا گریزی می‌زنم و نکته‌ای را از زبان یک اقتصاددان مشهور آمریکا باز می‌کنم. کلوین لانکاستر Kelvin Lancaster در کتاب کلاسیکش به نام Modern Economies Principles and Policy پس از مقدمه‌ای می‌نویسد «... جایزه نوبل برای نخستین بار در سال ۱۹۶۹ به علم اقتصاد نیز تعلق گرفت. بدیهی است علم اقتصاد موقعی می‌تواند بمعنی اخص کلمه علم خوانده شود که بتواند نشان دهد روابط اقتصادی براساس قوانین استواری پایه‌ریزی شده است در حالیکه چنین نیست، علم اقتصاد نوین بر پایه عقیده استوار است... شاید نابهنگام باشد که علم اقتصاد را بتوان با یک علم کامل مقایسه کرد و شاید هیچگاه هم نتوان چنان مقایسه‌ای را بعمل آورد...»

بسط مطلب بدرازا کشید اما پی‌فایده نبود. گفتیم پس از گسترش بحران در شرق آسیا کاپیتالیسم همه «کاسه و کوزه‌ها» را بر سر ممالک بحران زده شکست و انواع انتقادات تند و تیز که بعضی هم بوی بدگویی می‌داد نثار آنها نمود و افتخار معجزه‌گری را از آنها پس گرفت.

مژده به علاقمندان شماره‌های قبلی

گزارش

تعداد ۵ دوره ماهنامه

گزارش صحافی شده با جلد

زرکوب آماده توزیع می‌باشد.

مقاضیان با پرداخت ۴۰ هزار ریال برای هر دوره، در وجه ماهنامه گزارش به حساب جاری ۱۸۸۸/۱۰ بانک صادرات، کد ۷۹۰ تهران و ارسال قبض آن همراه با دوره‌های درخواستی و نشانی کامل خود دوره‌ها را دریافت نمایند.

توجه دوره‌های موجود:

دوره سوم، چهارم، پنجم و ششم

سورهاتو رئیس جمهور فعلی کسی است که سی و اند سال پیش در بحبوحه جنگ سرد با پشتیبانی غرب حکومت قانونی احمد سوکارنو را که پدر استقلال اندونزی و از پایه گذاران اصول پنجگانه کنفرانس همکاری صلح آمیز بین المللی منعقد در

در دهه ۸۰ میلادی یک تریلیون دلار در آمریکا دست پدست گشت بدون آنکه دیناری ارزش مصرفی بوجود آورد.

باندونگ و همکار لیاثاوتچی و تیتو و عبدالناصر و قوام نکرومه رئیس جمهور غنا در تأسیس کنفرانس توسعه و تجارت ملل متحد و برنامه دهه نخست پیشرفت ملل متحد بود طی یک کودتای نظامی ساقط کرد و او را از میان برداشت و خود بر اریکه قدرت نشست. همو که قدرت و هستیش مرهون حمایت بی چون و چرای غرب بود اینک نه مردم فلک زده و ریاضت کش اندونزی ازو رضایتی دارند و نه غرب و ژاپن باو نیازی کشتزار است عجب عرصه گیتی که درو هر کرا می نگری کشته خود می درود مطبوعات آمریکا و اروپا امروز از سوهارتو بعنوان کسی که طی مدت حکومتش ثروت هنگفتی اندوخته نام می برند و با اینحال انتخابات قریب الوقوع تکلیف او را روشن خواهد کرد.

ما چه باید بکنیم؟

وظیفه دولت ما درین مرحله تاریخی چیست؟ بگذارید باز مطلبی را از زبان همان روزنامه وال استریت جورنال نقل کنم: می گوید برای سیاستمداران کشورها آنچه را که بازارهای بین المللی متوقمند مانند خصوصی سازی و قطع سوبسیدها (یارانه ها) و آزادسازی بازار نسخه مطبوع و دلپسندی نیست. یک خوراک کامل ازین داروی تلخ اینروزها بمسأله های سخت و

ناخوشایندی بدل شده است - از حق نباید گذشت حرف درستی زده است. این وظیفه ماست که عالمانه و عاقلانه چنان ترتیب امور را بدهیم و روابط را از داخلی و خارجی چنان سازگار کنیم و سامان دهیم که از تلخی این خوراک بکاهیم نه آنکه غافلانه و نادانسته تلخی بر تلخی بیفزاییم. حال گوئیم اقتصاد و هر جزء دیگر از ساختار جامعه از راه قیاس و تمثیل تقلید کردنی نیست. نباید مرعوب یا مجذوب گفته ها و شنیده ها شد و تحت تأثیر تبلیغات جهانی قرار گرفت و منفعل گردید. هر مطلبی و هر تجربه ای را باید با معیارهای ساختار علمی جامعه سنجد و از قضاوت های ذهنی و اعتقادی فردی پرهیز کرد و ارتباطات بین المللی اعم از اقتصادی و غیر آن را باید با نیازهای سازمانی و ساختاری جامعه تطبیق داد و برقرار ساخت.

بنده متأسفانه در بعضی مطبوعات می خوانم که باید خود را برای الحاق سازمان تجارت جهانی هرچه زودتر آماده نمائیم یا از زبان برخی مسؤولان مملکتی می شنوم که لیبرالیزه کردن

بازار و پیوستن به بازار اقتصاد جهانی بسود ماست. گویی ما داوطلبانه خواستار یک خوراک کامل از همان نسخه تند و تلخ بازارهای بین المللی شده ایم. اتفاقاً این مفهوم لیبرالیزه کردن از مفاهیمی است که گزارش سال ۱۹۹۷ کنفرانس توسعه و تجارت ملل متحد نیز زیاد با خوش بینی بان نمی نگرد. حق و بلکه آحق این بود که هم ارگانهای ذیربط مملکتی مخصوصاً وزارت امور خارجه و هم رادیو تلویزیون و هم مطبوعات بخشی از اوقات خود را صرف تجزیه و تحلیل این مصیبت عظمای بحران آسیای شرقی می کردند و نتایج درستی که بدرد مملکت ما بخورد می گرفتند و مردم را از ماجرا آگاه می ساختند. آنچه

بنده دیدم و شنیدم و خواندم همان اخبار منتشره از جانب غرب بود و بس؛ مثل این که این گرفتاریها قضای آسمانی است و غیر قابل پیشگیری و چون به گمان غرب سرمایه داری هم نعیم البدلی ندارد پس باید عواقب آن را هم پذیرفت.

اما جناب آقای رئیس جمهور! ما تا جامعه را بعنوان کلی ارگانیک که اجزائی به هم پیوسته دارد نشناسیم و بمبانی علمی اخلاق و فرهنگ و عدالت اجتماعی بدور از هر گونه کلی باقی که تا بحال رایج بوده است نپردازیم نه بار خود را به سلامت به مقصد توانیم رساند و نه از ضررهای جاری ارتباطات بین المللی چیزی توانیم کاست. باید اول آرام گرفت و از تحریک هیجانات دست برداشت و علم و عمل را مناط کار قرارداد و آنگاه رفع مشکلات جدی و مزمن مملکتی را پیش نهاد همت ساخت. بنده در شماره های ۶۵ و ۷۲ و ۷۶ و ۷۷ و ۷۹ و ۸۰ و ۸۲ و ۸۳ این مجله بوجه متدولوژیک نظریات خودم را درباره ساختار جامعه



تکیه

شرکت تولیدی شیرآلات بهداشتی
(سهامی خاص)

با سی سال تجربه در زمینه تولید و بهره گیری از تکنولوژی برتر و دانش روز تولیدات خود را با تکیه بر،



○ کیفیت برتر
○ رعایت کلیه نکات فنی
○ تنوع و زیبایی
○ هم استاندارد

و در بسته بندی های مناسب به بازارهای داخل و خارج عرضه می نماید.

دفتر مرکزی: میدان ونک، خیابان ملاصدرا، شماره ۹۲
تلفن: ۸۰۳۲۴۵۵ - ۸۰۳۶۹۴۴، فاکس: ۸۰۳۶۱۹۷
کارخانه: خیابان دماوند، خیابان سازمان آب، شماره ۱۴
تلفن: ۸۱ - ۷۳۴۹۶۷۸، فاکس: ۷۳۴۹۴۳

جهت منافع عام خود که به کاپیتالیسم جهانی باز بسته است امروز خلاف آنکه ظاهراً بنظر می‌رسد بیش از پیش متحد سیاسی یکدیگر شده‌اند که لاجرم ازین رهگذر هم چیزی جز ضرر نصیب ما نمی‌شود؟ سیاست را از مفهوم علم تهی ساختن و ایده‌نولوژیزه کردن مانند آنست که بخواهیم قوانین عینی طبیعت را با امیال ذهنی خود تبیین کنیم و تجارب شکست خورده قرون وسطی را تکرار نمائیم. از بلند پروازی و خودبزرگ بینی باید بپرهیزیم. نقل است از بایزید بسطامی: **یا چنان نمای که باشی یا چنان باش که نمایی**

هیچگاه باندازه امروز دنیا محل عبرت نبوده است؛ گویی مسعود سعد دفتر تاریخ را برای ما ورق می‌زند و بما می‌آموزد **باید باید عبرت، نبود باید کور شنید باید بند و نبود باید کر جهانت عبرت و بند است رفته و مانده تو مانده را باز شناس و تورفته بازنگر!!**

موافقم با این حال زمان را نمی‌توان مقطوع کرد و باید در همین شرایط، منتهی با چشم عقل و بمدد علم راهگشا بسزندی فردی و اجتماعی و بین المللی ادامه داد و آنطور که تاریخ بما می‌آموزد با تمام کشورهای موافق با مصالح خودمان اعم از آنکه از آنها خوشمان بیاید یا بدمان بیاید روابط سیاسی و اقتصادی و هنری برقرار کرد.

اگر باین گفته می‌بالیم و از آن احساس غرور می‌کنیم که آمریکای زورگو را تحقیر کرده‌ایم آیا اینرا هم حساب کرده‌ایم که برای این تحقیر کردن چه قیمت گزافی را پرداخته‌ایم که خواهی نخواهی مانع سامان گرفتن وضع کشور شده است؟ و آیا این نکته را مدنظر گرفته‌ایم که کاپیتالیسم جهانی از برای دردهای درمان ناپذیر خود انواع مقررات بین‌المللی وضع کرده و این مقررات و سازمانهای بین‌المللی از ملل متحد و بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول و سازمان تجارت جهانی را در حیطة اقتدار انحصاری خود درآورده است؟ و آیا توجه نموده‌ایم با آنکه هر یک از ممالک مقتدر صنعتی با مشکلات خاص خود روبروست از

و اخلاق و عدالت اجتماعی و فرهنگ (آنطور که بتوان از آنها مدلی ترکیبی ساخت) و جهانی کردن اقتصاد و حقوق بشر و آینده کاپیتالیسم به تفصیل شرح داده‌ام که در صورت اقتضاء علاقه می‌توان بدانها رجوع کرد. اگر زنده ماندم و بخت موافق شد بنده بوجه اقدام فالاقدم مطالب خود را با توجه به تشکیل کمیسیونهای مشورتی رئیس جمهور محترم و نظرات ایشان درباره وظایف این کمیسیون‌ها در یکی از شماره‌های آینده این مجله بعرض خواهم رساند. اما قبل از پایان بردن این مقاله بجاست این نکته را روشن کنم بنده برغم آنکه کاپیتالیسم جهانی را مسبب گرفتاریهای عمده بشری می‌دانم دشمن غرب و ممالک غربی نیستم. اوضاع نه در آمریکا و نه در اروپا و نه در ژاپن بعنوان مظهر ممالک متروپل سرمایه‌داری روبراه نیست و مردم جهان چه در ممالک در حال پیشرفت (که این فعل استمراری معلوم نیست تا چه زمان ادامه خواهد یافت) و چه در ممالک پیشرفته صنعتی هر یک بنوعی و بشدتی چوب اقتصاد جهانی را می‌خورد. بنده سخت با این عقیده که آینده سرمایه‌داری در خطر است

MINEX
COMMERCE

شرکت مواد معدنی

قسمت (سهامی خاص)

تولیدکننده انواع آلیاژهای غیر آهنی:

بصورت شمس و بیات از آلومینیوم، روی، سرب، قلع، مس نیکل، گادولیم و آنتیمون با مارک **MINEX**

منطقه آزاد قسم، بلوار امامعلی خان، مجتمع تجاری نخل زرین، شماره ۳۴
شعبه تهران: خیابان وحید دستگردی
بین بزرگراه مدرس و آفریقا، پلاک ۲۷۳
تلفن: ۸۷۸۶۶۳۶ فاکس: ۸۷۹۸۲۹۰
کارخانه اراک: ۱۲ کیلومتری جاده قم، خیابان امام سجاد

حوب فروسی قهوه‌ای



**نئوپان - تخته - چسب
فیبر و غیره**

بل چوبی، اول خیابان مازندران، پلاک ۳۸۱۰، ۳۶۹
کدپستی: ۱۱۵۱۷ - ۳۸۵۱
تلفن: ۷۶۲۴۲۷ - ۷۵۰۰۱۹۷